

علیرضا خباز

خانه ی کارگر در سرایشی فروپاشی

در ماه های اخیر وقایعی در تشکیلات خانه ی کارگر و شوراهای اسلامی کار رخ داد که به ویژه برای فعالین و کارگران پیشرو می تواند اهمیت بسزایی داشته باشد. امروز شکاف عمیقی در تشکیلات خانه ی کارگر، کانون شوراهای اسلامی و هم چنین اعضا و بدنه ی این تشکیلات رخ نموده است. خانه ی کارگر هیچ گاه تا این حد نزد کارگران منفور نبوده است. این بحران مشروعیتی که این تشکیلات دولتی با آن مواجه است، می تواند برای پیشروان کارگری فرصتی باشد تا با استفاده از خلاء حضور خانه ی کارگر در واحدهای تولیدی، با کار فرهنگی زیربنایی و پی ریزی فرهنگ تشکل های مستقل کارگری به ویژه در صنایع بزرگ، ذهنیت توده ی کثیر کارگران را برای ایجاد تشکل سراسری کارگران آماده سازند و این مطالبه و خواست مهم را به محوری ترین خواست عموم کارگران تبدیل کنند.

اختلافی که پیش آمده اختلاف بین هیئت مدیره ی کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران با خانه ی کارگر و طرفداران آن در میان شوراهای اسلامی کار از یک طرف و وزارت کار با خانه ی کارگر از طرف دیگر است.

وزارت کار خواستار برگزاری انتخابات کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار کشور در تهران و تحت نظارت خود می شود. خانه ی کارگری ها اصرار دارند این انتخابات در اصفهان برگزار گردد. هیئت مدیره ی شوراهای اسلامی استان تهران با وزارت کار هم صدا می شود و با ارتباط و رایزنی با استان های دیگر تلاش می کنند که انتخابات اصفهان را تحریم کنند. اعضای هیئت مدیره ی استان تهران که زمانی خود در کنار خانه ی کارگر بودند این بار در مقابل آن می ایستند. یکی از اعضای هیئت مدیره ی استان تهران این اختلاف را چنین توضیح می دهد:

ما خواستار استقلال شورای کار از خانه ی کارگر هستیم و تا به حال هر ضربه ای خورده ایم از وابستگی به خانه ی کارگر بوده و برای این که با وزارت کار به مشکل بر نخوریم نباید مقابل آن باشیم.

در بعضی محور ها علیه صادقی و احمدی پنجگی مواضع سختی گرفته می شود. احمدی پنجگی را به بازنشسته بودن متهم می کنند و در مقابل یکی از اعضای هیئت مدیره ی استان تهران را به نماینده ی کارفرما و مشاور کارفرما بودن متهم می کنند. بدنه ی شوراهای اسلامی کار طبق معمول در این بین بازیچه و سربازان این جناح ها است. برخی طرفدار خانه ی کارگر و برخی طرفدار هیئت مدیره ی کانون استان تهران هستند و بقیه تماشاگر و منتظر ادامه ی ماجرا. و در این میان روزنامه ی کار و کارگر وظیفه ی خود را به درستی برای خانه ی کارگر انجام می دهد. این روزنامه اطلاعیه ها و مصاحبه های خانه ی کارگر را یک طرفه چاپ می کند. و جناح رقیب را مورد حمله قرار می دهد. در این میان بحث انتخابات کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران پیش می آید.

هیئت مدیره ی کانون استان تهران در ۸۴/۱۰/۲۹ اطلاعیه ای را صادر و به شوراهای اسلامی تهران ارسال می کند مبنی بر این که انتخابات ۸۴/۱۰/۳۰ را به دلیل جلوگیری از هرگونه تشنج و اختلاف و پرداختن به مسئله ی مزد به تعویق می اندازد. (۱) این اطلاعیه به امضای علی اکبر عیوضی رئیس هیئت مدیره ی کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران صادر شده است.

اعضای هیئت مدیره ی کانون شوراهای اسلامی کار محور مرکز طی اطلاعیه ای تعویق انتخابات را محکوم و خواستار تشکیل کمیته ای برای حل اختلافات می شود و بازرسین را به شکل مجمع عمومی فوق العاده فرا می خواند (۲)

بازرسین استان تهران طی اطلاعیه های مختلفی به رقابت با هیئت مدیره برمی خیزند. اطلاعیه های ۸۴/۹/۲۴ روزنامه ی کار و کارگر هیئت مدیره را برکنار شده می دانند در اطلاعیه ی ۸۴/۹/۲۹ دعوت به مجمع عمومی فوق العاده می نماید و وزارت کار را در جریان تشکیل مجمع قرار می دهد.

بالاخره خانه ی کارگری ها با جمع آوری نیروهای خود در تاریخ ۸۴/۱۰/۲۸ جهت انتخابات هیئت مدیره ی کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران مجمع عمومی را به شکل زیر برگزار می کنند. این مجمع می بایست از میان کاندیداهای از پیش تعیین شده که اسامی شان بین مدعوین پخش شده بود نتیجه انتخابات را مشخص می کرد. این انتخابات مطابق آمار مجمع با حضور ۲۰۰ نفر شرکت کننده برگزار شد.

نماینده ی وزارت کار در مجمع حاضر نشده بود. سخنران مراسم صادقی بود، ولی برخی اعضای شوراها به صادقی و خانه ی کارگری اعتراض داشتند. این انتخابات توسط جناح مخالف خانه ی کارگر تحریم شده بود. در مقابل این ها دو هفته بعد شوراهای اسلامی متمایل به وزارت کار در سالن ۱۷ شهریور مجمع عمومی برگزار می کنند. این اختلاف و کشمکش همچنان ادامه دارد.

به نظر می رسد با روی کار آمدن احمدی نژاد "جامعه ی اسلامی کارگران" که بخش کارگری بازار می باشد و در دولت های قبلی در انزوا به سر می بُرد، اینک آرام آرام دارد به وزارت کار نزدیک می شود. دولت احمدی نژاد علیرغم شعارهای انتخاباتی و عدالت محوری دشمنی دیرینه ای با طبقه ی کارگر دارد به شکلی که خارج شدن کارگاه های زیر ده نفر از شمول قانون کار را ۳ سال دیگر تمدید می کند. و این از جمله ی ارمغان های دولت جدید به کارگران است. برای بررسی ارتباط بین خانه ی کارگر و شوراهای اسلامی کار و وزارت کار وضعیت این سه را مختصراً مورد بررسی قرار می دهیم.

۱- خانه ی کارگر

ماهیت واقعی خانه کارگر را می توان در نقشی که در دو دهه ی گذشته در حاکمیت و جنبش کارگری ایفا کرد شناخت، یعنی در ۱- سرکوب جنبش کارگری بعد از سال ۵۷ و به کنترل درآوردن این جنبش ۲- سرکوب شوراهای مستقل کارگری و استقرار شوراهای اسلامی کار ۳- اخراج، زندانی کردن، تصفیه ی کارگران پیشرو ۴- ایجاد جو خفقان و فشار در کارخانه ها ۵- کنترل اعتراضات و اعتصابات کارگری و انحراف جنبش کارگری از رادیکالیسم به سوی انفعال ۶- خانه ی کارگر در مقاطع زمانی مختلف به ویژه در دوره ی ریاست جمهوری رفسنجانی مجری سیاست های حاکمیت در میان کارگران بوده است. بسته به اختلافات بین جناح های حکومتی

نوع نگاه به خانه ی کارگر فرق می کرده است. اما در هر حال به دلیل شرایط بحرانی خانه ی کارگر نقش تاریخی خود را در حاکمیت ایفا کرده و همه ی جناح ها تضعیف آن را به ضرر کل نظام دانسته اند. مصداق این مسئله را در مصاحبه ی سرحدی زاده با خبرگزاری ایلنا در روز یکشنبه ۲۷ آذر ۸۴ می توان دید. او می گوید: “قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، گروه هایی که وابسته به جریانات الحادی و چپ مارکسیستی بودند، تلاش بسیاری کردند تا جامعه ی کارگری را در راستای اهداف خود قرار دهند. به همین دلیل توجه ویژه ای به خانه ی کارگر داشته و می خواستند از جمعیت بزرگ کارگران برای نیل به اهداف خود بهره گیرند. که این رویه با پیروزی انقلاب اسلامی و ایجاد فضای باز شدت گرفت. حزب جمهوری اسلامی و در رأس آن شهید بهشتی تلاش چشم گیری را در جهت حفظ و حراست از این کانون کارگری به عمل آوردند و شاخه ی کارگری حزب جمهوری اسلامی مأمور حراست از خانه ی کارگر شد و با تمام قدرت اداره ی خانه ی کارگر را در اختیار گرفته و دست نیروهای چپ مارکسیستی را از آن کوتاه کرد.”

سخنانی از این دست را می توان نمونه ی تلاش خانه ی کارگر برای نشان دادن خدمات خود به جناح مقابل و ماندن در حاکمیت به حساب آورد. خانه ی کارگر با ارگان رسمی آن یعنی روزنامه ی کار و کارگر تلاش بی وقفه ای را در جهت نفوذ در مراکز تولیدی و کارگری انجام داده و برای این کار از شوراهای اسلامی کار بهترین استفاده را کرده است.

۲- شوراهای اسلامی کار

رادیکالیسم موجود در شوراهای کارگری بعد از سال ۵۷ از دید حاکمیت خطری بزرگ محسوب می شد و می بایست طبقه ی کارگر از شوراهای مستقل تهی می گشت. همچنین می بایست قدرت سازمان دهی کارگران در درون کارخانه ها کنترل می شد و برای این منظور جایگزینی شوراهای کارگری با شوراهای اسلامی کار می توانست بهترین گزینه باشد. قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار در ۱۳۶۳/۱۰/۳۰ توسط مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید.

ماده ۱ از فصل اول این قانون، شوراهای اسلامی کار را چنین تعریف می کند:

به منظور تأمین قسط اسلامی و همکاری در تهیه ی برنامه ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی، صنعتی، کشاورزی و خدمات، شورائی مرکب از نمایندگان کارگران و کارکنان به انتخاب مجمع عمومی و نماینده ی مدیریت به نام شوراهای اسلامی کار تشکیل می گردد.

شورای اسلامی کار صرفاً یک تشکل مشورتی در محیط کار است. با توجه به اساسنامه و قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار این تشکل نماینده ی دولت در واحدهای تولیدی است. اعتصاب از نظر این تشکل امری باطل و حرام. تبصره ی بند (د) ماده ۱۳ از فصل دوم قانون شوراهای اسلامی کار این مسئله را توضیح می دهد. هر چند این بحث و نقد شوراهای اسلامی کار حوصله بسیاری می طلبد ولی نمی توان شوراهای اسلامی کار را بدون این مواد در اساسنامه بررسی کرد. لازم است اشاره ای داشته باشیم به فصل دوم قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار و وظایف و اختیارات شوراهای اسلامی کار را نگاه کنیم.

الف: ایجاد روحیه ی همکاری بین کارکنان هر واحد به منظور پیشرفت سریع امور.

ب: همکاری با انجمن های اسلامی در بالا بردن آگاهی کارکنان در زمینه های فرهنگی - اجتماعی و سیاسی.

ج: بالا بردن آگاهی کارکنان در زمینه های اقتصادی، فنی، حرفه ای و نظایر آن.

د: نظارت بر امور واحد به منظور اطلاع از انجام صحیح کار و ارائه ی پیشنهاد سازنده به مسئولین مربوطه.

تبصره: اعمال نظارت شورا نباید موجب توقف امور واحد گردد.(x).

ه: همکاری با مدیریت در تهیه ی برنامه ها به منظور پیشبرد امور واحد.

و: بررسی و شناخت کمبودها و نارسایی های واحد و ارائه ی اطلاعات به مدیر یا هیئت مدیره.

ز: تلاش در جهت گسترش امکانات رفاهی و حفظ حقوق قانونی کارکنان واحد.

ح: همکاری و کوشش در بهبود شرایط کار و دستیابی به میزان تولید پیش بینی شده در برنامه های تولید واحد.

ی: پیشنهاد تشویق عناصر فعال و معرفی افراد لایق برای احراز مسئولیت های مناسب به مدیریت.

همین وظایف نشان می دهد که تشکل شوراهای اسلامی کار به هیچ وجه نمی تواند در خدمت منافع طبقه ی کارگر باشد. باید اضافه کنم برای اجرای این وظایف باید امتحان کتبی و شفاهی ایدئولوژیک را پشت سر گذاشت. از فیلتر مدیریت و وزارت کار عبور کرد. و اگر هم خارج از چارچوب این وظایف عمل کنی اگر شانس یارت باشد و اخراج و بازخرید نشوی، دیگر نمی توانی کاندیدای شورای اسلامی کار باشی، حتی اگر کارگران هم تو را بخواهند.

خانه ی کارگر هم بخشی از حق عضویت های شورای اسلامی کار را می گیرد و هم این که عملاً سیاست های اجرایی در سطح کلان شوراهای اسلامی کار از خانه ی کارگر بیرون می آید. در دوره ی ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی از آن جا که خانه ی کارگر مجری سیاست های کارگزاران بود، شوراهای اسلامی کار نیز کمک بزرگی به پیش بُرد این سیاست کردند. نمود دیگر این سیاست ها مقابله با اعتراضات و اعتصابات کارگری و منحرف کردن این اعتراضات و سرکوب آن ها بوده است.

سیاست های خانه ی کارگر در شوراهای اسلامی کار، عدم امکان کارگران در انتخاب نمایندگان خود، مشورتی بودن شوراهای اسلامی کار در ارتباط با مدیریت، موقعیت تماماً ایدئولوژیک آن و تفتیش عقاید کارگران و جلوگیری از ورود کارگران غیر مذهبی به این شورا(مطابق قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار) و عملکرد اعضای این شوراها علیه منافع کارگران، اخراج، تعدیل و کنترل اعتراضات کارگری و .. موجب بی اعتمادی بیش از پیش کارگران به آن ها شده است. کارگران اگر تا چندی پیش به ناچار تن به تشکیل شورای اسلامی کار می دادند، اکنون نه تنها به آن تن نمی دهند بلکه همچنان که در روز اول ماه مه امسال دیدیم فریاد اعتراض خود را درست بر علیه این شوراهای فرمایشی و خانه ی کارگر سر می دهند.

استقبال کارگران شرکت واحد از تشکیل سندیکا به عنوان گزینه ای در مقابل شوراهای اسلامی کار را می توان به عنوان نمونه ی بارز این بی اعتمادی نام برد.

بیشترین انتقاد از عملکرد شوراهای اسلامی کار از طرف بدنه ی کارگری صورت می گیرد. اما این انتقادات تأثیری در سیاست های کلان شوراهای اسلامی کار ندارد. نمونه ی این انتقادات در جلسات عمومی محورها و کانون های شوراهای اسلامی کار و به ویژه در مراسم روز کارگر نمود پیدا می کند. شوراهای اسلامی کار در مجموع و به

ناچار توسط کارگران انتخاب می شوند. اما عملاً کارگران و حتی خود اعضای شوراهای اسلامی کار هیچ تأثیری در تصمیم گیری های قانون های استانی و کشوری نداشته و ندارند.

آماري که یکی از اعضای هیئت مدیره های استانی می دهد مبین عدم استقبال کارگران از شوراهای اسلامی کار است. در استان تهران حدود ۴۸۰ شورای اسلامی کار، در کرج ۶۲ شورا، در زنجان ۶ شورا. و آمار شوراهای اسلامی کار در دوره ی دولت خاتمی ۳۱۰۰ شورا در کل کشور بوده که این رقم در دولت احمدی نژاد به ۱۱۰۰ شورا رسیده است. و این روند نزولی هم چنان ادامه دارد.

۳- وزارت کار

در هر دولتی وزیر کار یکی از گزینه هایی بوده که خانه ی کارگر تلاش کرده از میان حامیان سیاست های خانه ی کارگر انتخاب شود. کمالی با ۸ سال وزارت در دوره ی رفسنجانی یکی از مؤثرترین و نزدیک ترین وزیران به خانه ی کارگر بوده است. بهترین دوره برای خانه ی کارگر زمانی بود که مثلث رفسنجانی- کمالی و خانه ی کارگر تشکیل شد. رفسنجانی به عنوان رئیس جمهوری و پدرخوانده ی خانه ی کارگر، کمالی به عنوان وزیر کار و محبوب از اعضای حزب جمهوری اسلامی و از جمله مؤسسان خانه ی کارگر به عنوان دبیر کل خانه ی کارگر در این دوره ی ۸ ساله به اندازه ی تمام دوران تاریخ طبقه ی کارگر بر علیه کارگران ماده و تبصره وضع کردند، از قراردادهای موقت گرفته تا تعدیل هزاران هزار کارگر، اخراج، بازخریدی های اجباری تحت عنوان خصوصی سازی، مالیات های سنگین و غیره. شوراهای اسلامی کار در همین دوره بود که از طرف کارگران تیر خلاص خوردند. بعد از روی کار آمدن دوم خردادی ها، با این که خانه ی کارگر یک طرف ائتلاف دوم خردادی ها بود، اما خاتمی علیرغم انتظار و درخواست خانه ی کارگری ها برای وزیری کمالی وزیر دیگری را انتخاب کرد. قبل از انتخابات دوره ی ششم ریاست جمهوری اسلامی، محبوب دبیر کل خانه ی کارگر در شیراز از ریاست جمهوری اسلامی ناطق نوری حمایت کرد. این خبر در روزنامه ی خبر منعکس شده بود، اما بعدها توسط خانه ی کارگری ها تکذیب شد. شوراهای اسلامی کار از پایین خانه ی کارگر را تحت فشار گذاشتند که از ریاست جمهوری خاتمی حمایت کند. شوراهای اسلامی کار مستقلاً طی طوماری از خاتمی حمایت کردند ولی خانه ی کارگر این مسئله را تا بعد از انتخابات مسکوت گذاشت. با روی کار آمدن خاتمی، مدیریت تشکل های کارگری و کارفرمایی وزارت کار به دست حزب مشارکت افتاد.

مدیر کل جدید که از انجمن صنفی روزنامه نگاران آمده بود در مقابل خانه ی کارگر ایستاد و به دنبال این مسئله بود که وزارت کار انجمن های صنفی را در مقابل شوراهای اسلامی کار قرار داد. در دوران دولت خاتمی خانه ی کارگر هیچ گاه نتوانست به مدیریت های کلیدی وزارت کار تکیه زند.

در انتخابات اخیر ریاست جمهوری اسلامی، خانه ی کارگر جدی تر از دوره های پیشین به تبلیغ برای رفسنجانی پرداخت. این حرکت خانه ی کارگر عملاً از طرف برخی از شوراهای اسلامی کار از پایین مورد اعتراض واقع شد. اما خانه ی کارگر مطمئن از پیروزی هاشمی بود. اعتراض اعضای شوراهای اسلامی کار و کارگران نه تنها خانه ی کارگر را قانع نکرد، بلکه این تشکل دولتی ۱۱ اردیبهشت ۸۴، روز کارگر، را فرصتی تصور کرد تا با پلاکاردهای رنگارنگ و با برنامه های از پیش تعیین شده و دعوت از رفسنجانی برای سخنرانی، از تجمع کارگران شهرهای

مختلف گسترده ترین استفاده ی تبلیغاتی را به سود رفسنجانی انجام دهد. غافل از این که دغدغه ی کارگران در اول ماه مه مشکلات عدیده ای بود که سالیان سال با آن درگیر بوده اند. خانه ی کارگر در اول ماه مه امسال بزرگ ترین ضربه را هم به خود و هم به هاشمی رفسنجانی و هم به ویژه به ارتباط خود با شوراهای اسلامی کار زد. حرکت اول ماه مه ۸۴ کارگران در تهران حرکتی تاریخی و ماندگار بود که یکی از نتایج آن شدت بخشیدن به شکافی بود که هم اکنون شاهد آن هستیم، شکافی که می رود طومار عمرخانه ی کارگر و شوراهای اسلامی کار را با اتکا بر رادیکالیسم جنبش کارگری در هم بیچد.

۱- روزنامه ی کار و کارگر ۸۴/۱۰/۲۹

۲- روزنامه ی کار و کارگر ۸۴/۸/۳۰